



## فساد و عملکردهای فراقانونی؛

# در شرکت دولتی نفت و گاز زیر کنترل طالبان چه می‌گذرد؟

خویش‌خوری، عدم استفاده درست از منابع تخصصی و مسلکی از مشکلات اساسی این شرکت دانسته می‌شود. منابع می‌گویند که پیش از این، وزارت مالیه طالبان برای ایجاد پلان استراتژیک شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان، پنج تن از متخصصان خویش را با معاش ماهانه ۸۰ هزار افغانی برای پنج ماه مسوول تهیه و تدوین این سند مقرر کرده است. به گفته آنان، کار این متخصصان نتیجه نداده و هیچ کسی از برابند کار آن‌ها نرسیده است.



## افتتاح خط آهن هرات-خواف؛

### مجاهد: با ایران برادر هستیم و برادر بالای برادر حقوق دارد



۸ صبح، هرات: مقام‌های محلی طالبان در ولایت هرات از افتتاح رسمی خط آهن هرات-خواف خبر

می‌دهند. مقام‌های طالبان در ولایت هرات می‌گویند که روند انتقال کالاهای تجارتي میان افغانستان و ایران از طریق راه آهن هرات-خواف روز سه‌شنبه، ۲۰ سرطان، با حضور داشت ذبیح‌الله مجاهد، سخنگو و سایر مقام‌های طالبان به‌گونه رسمی افتتاح شده است. مجاهد در سخنرانی‌اش گفته که سطح همکاری میان

خط آهن نه تنها به افغانستان؛ بلکه به منطقه و جهان فایده دارد.

افغانستان و ایران نشان‌دهنده روابط عمیق بین دو کشور است. وی افزوده است: «هیات رهبری امارت اسلامی افغانستان پیامی به برادران ما در جمهوری اسلامی ایران را دارد که ما با شما برادر هستیم، برادران با هم همکاری بیشتر دارند، حق بیشتر دارند و هم حقوق دارند، توقع ما همین است ان‌شاءالله که این دوستی بیشتر پایدار گردد و این همکاری‌ها توسعه پیدا بکنند.»

سخنگوی طالبان تصریح کرده است که افغانستان امروز به همچو همکاری اقتصادی احتیاج زیادی دارد تا بتواند امنیت و ثبات در آن دوام‌دار شود. در همین حال، بخت‌الرحمان شرافت، رییس اداره خط آهن تحت مدیریت طالبان گفته است که کشورهای منطقه و جهان به یکدیگر وابسته هستند و افتتاح این

مقام‌های طالبان در ولایت هرات می‌گویند که روند انتقال کالاهای تجارتي میان افغانستان و ایران از طریق راه آهن هرات-خواف روز سه‌شنبه، ۲۰ سرطان، با حضور داشت ذبیح‌الله مجاهد، سخنگو و سایر مقام‌های طالبان به‌گونه رسمی افتتاح شده است. مجاهد در سخنرانی‌اش گفته که سطح همکاری میان

## تندروی در خدمت تندروی

اخیراً فردی در سوئیدن اقدام به قرآن‌سوزی کرده که مثل همیشه واکنش مسلمانان در کشورهای مختلف را به دنبال داشته است. این نخستین بار...



## امریکا از تاریخ نیاموخته است

ایالات متحده امریکا در مورد افغانستان چند بار اشتباه مشابه را مرتکب شده است. آخرین اظهارات رییس جمهور بایدن در این زمینه...



## حمله نیروهای جبهه مقاومت بر طالبان در کاپیسا؛ یک طالب کشته و دو طالب دیگر زخمی شدند



۸ صبح، کاپیسا: جبهه مقاومت ملی از حمله چریکی نیروهای این جبهه بر یک پاسگاه طالبان در ولایت کاپیسا خبر می‌دهد. این جبهه با نشر نوار تصویری گفته است که این حمله دوشنبه‌شب، ۱۹ سرطان، بر یک پاسگاه طالبان در منطقه پل میروس از مربوطات حصه دوم کوهستان انجام شده است. بر بنیاد ادعای جبهه مقاومت ملی، در پی این حمله یک جنگ‌جوی طالب کشته و دو تن دیگرشان زخمی شده‌اند.

منابع محلی نیز صدای درگیری در این منطقه را شنیده‌اند. طالبان تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که در روزهای اخیر حمله‌های چریکی نیروهای جبهه‌های ضد طالبان بر مواضع این گروه در ولایت‌های کاپیسا و پروان افزایش یافته است.

دوشنبه‌شب، ۱۲ سرطان، جبهه آزادی نیز ادعا کرده بود که در پی حمله راکتی نیروهای این جبهه بر یک قرارگاه قطعه خاص طالبان در مرکز کاپیسا، یک جنگ‌جوی طالب کشته و دو تن دیگرشان زخمی شده بودند.

## حقانی: فاصله میان مکاتب، مدارس و دانشگاه‌ها از بین رفته است



۸ صبح، خوست: سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت داخله طالبان در نشست در ولایت خوست گفته که پس از روی کار آمدن طالبان، فاصله میان مکاتب، مدارس دینی و دانشگاه‌ها از بین رفته است. حقانی این سخنان را روز سه‌شنبه، ۲۰ سرطان، در سمپوزیم ملی علوم طبیعی دانشگاه شیخ زاید در خوست بیان کرده است. او گفته است که اکنون مدرسه، مکتب و دانشگاه همه در یک مسیر قرار گرفته‌اند و فاصله میان آن‌ها از بین رفته است.

به گفته وی، از مدتی زیادی در کشور تلاش جریان دارد تا مدارس و دانشگاه‌ها در مقابل هم قرار داده شوند. این در حالی است که پس از سلطه طالبان، شمار زیادی از استادان دانشگاه کشور را ترک کرده و دانشگاه‌ها با کمبود استاد مواجه‌اند.





## روز جهانی جمعیت زمین

روز گذشته، یازدهم جولای، روز جهانی جمعیت بود که از سوی سازمان ملل به این نام شناخته شده تا فرصتی باشد برای پرداختن به حجم نفوس انسان‌ها در روی زمین و مشکلات و اولویت‌های‌شان. رشد فزاینده جمعیت انسان‌ها در کره زمین با آن که موضوعی به ظاهر بی‌سروصداست، در عمل یکی از مهم‌ترین معضلات زمین است و اگر با درکی درست و تدابیری درست‌تر به سراغ آن نرویم، باید منتظر فاجعه‌هایی بزرگ باشیم، هم برای انسان‌ها، هم برای دیگر جانداران و هم برای کلیت پدیده حیات در تمام کره زمین.

یکی از دلایل خطرناک بودن افزایش بی‌رویه نفوس بشر این است که سیستم طبیعت از میلیون‌ها سال پیش به این سو توازن خود را به شکل طبیعی حفظ کرده و از این طریق جلو غلبه فاجعه‌آمیز یک گونه زیستی بر سایر گونه‌ها را گرفته است. اکنون انسان‌ها با توانایی‌های صنعتی‌شان این توازن را به هم زده و عرصه را بر دیگران تنگ کرده‌اند. در اثر تصرفات انسان در طبیعت، بخشی از جانداران کاملاً نابود شده و یا در آستانه نابودی مطلق قرار گرفته‌اند. هر نوع بیولوژیک که منقرض می‌شود، رخنه‌ای در زنجیره اکوسیستم پدید می‌آورد و کلیت آن را دچار اختلال می‌کند. نتیجه اختلال این سیستم در پایان هم دامن انسان‌ها را می‌گیرد و هم دامن سایر جانداران را و در بلندمدت موجب تباهی اصل پدیده حیات می‌شود که مهم‌ترین و مقدس‌ترین پدیده در کاینات است. انسان با رشد بی‌رویه خود به خطرناک‌ترین موجود برای تمام زنده‌جان‌ها تبدیل می‌شود.

بعد دیگر این فاجعه، به امکانات زیستی انسان‌ها برمی‌گردد. افزایش نفوس اگر متناسب با امکانات آموزشی، فرصت‌های کاری و بهره‌برداری معقول از منابع طبیعی باشد، مشکل چندانی نیست؛ اما در جایی که فرزندان از زمینه‌های آموزشی لازم محروم باشند، فاصله میان انسان‌ها به شکل غیر قابل‌تصوری افزایش یافته و یک عده را به برده عده‌ای دیگر تبدیل می‌کند. از سویی، محرومیت از آموزش و فرصت‌های تربیتی زمینه افزایش جرم و جنایت و استخدام شدن در گروه‌های جنگی و روی آوردن به شورش‌ها و خشونت‌های گوناگون را فراهم کرده و نظم اجتماعی را ویران می‌سازد. به همان پیمان، فرصت‌های کار و اشتغال اهمیت حیاتی دارد و نبود فرصت‌های برابر یعنی دست به گریبان شدن با محرومیت‌های بیشتر. همچنان است محدودیت منابع طبیعی که در بهترین حالت ثابت و در بدترین حالت در حال کاهش شدید قرار دارد. محدودیت منابع طبیعی از هزاران سال قبل یکی از عوامل اصلی جنگ و خشونت در تاریخ بشر بوده است. رشد بی‌رویه نفوس، دولت‌ها و دستگاه‌های عمومی را از فراهم‌آوری فرصت‌های آموزش و کار برای این شمار بزرگ از انسان‌ها واقعا عاجز می‌سازد.

موضوع البته ابعاد پیچیده‌تری دارد که با نگاه جامعه‌شناسی، روان‌شناختی، مردم‌شناختی و دیگر تخصص‌های علمی می‌توان به تصویر کامل آن دست یافت. اما حتی همین اشارات محدود و محاسبات اولیه می‌تواند به ما بگوید که افزایش بی‌رویه نفوس یعنی بالا بردن ضریب فاجعه در کره زمین با چند برابر شدن شکاف، چند برابر شدن محرومیت، چند برابر شدن منازعه و افتادن در چرخه بی‌پایان رنج و تباهی. در واقع، هر آدم تازه‌ای که پا به این کره می‌گذارد، اگر پیشاپیش اندیشه‌ای به زمینه‌ها و امکان‌های زیست انسانی‌اش نکرده باشیم، یعنی یک گام دیگر به فاجعه بزرگ نزدیک‌تر شده‌ایم. تنها با فرزندآوری مسوولانه است که در کنار سایر تدابیر می‌توان از شدت و سرعت این فاجعه کاست.

## اخراج اواره‌گان داخلی از کمپ‌های موقت در کابل از سوی طالبان؛ دو کودک جان باختند



۸صبح، کابل: شورای پناهنده‌گان ناروی (NRC)، اعلام کرده است که در پی اخراج بی‌رویه اواره‌گان داخلی از کمپ‌های موقت کابل از سوی طالبان، دو کودک ۴ و ۱۵ ساله جان باخته‌اند. این شورا روز سه‌شنبه، ۲۰ سرطان، گفته است که طالبان یک شهرک در کابل را پس از اخراج اجباری ۲۸۰ خانواده آواره روز گذشته تخریب کرده‌اند. کودکان یادشده در پس از هجوم جنگ‌جویان طالبان در ساحه و ایجاد سراسیمه‌گی در میان اواره‌گان جان باخته‌اند.

با این حال، مشخص نیست که این کودکان چگونه جان باخته‌اند. نیل ترنر، یکی از مسوولان شورای پناهنده‌گان ناروی در افغانستان گفته است: «طالبان با اخراج خانواده‌های بسیار آسیب‌پذیر، فصل جدیدی را به کتاب طولانی رنج خانواده‌های آواره در افغانستان افزوده‌اند.»

وی از گروه طالبان خواستار توقف فوری تخریب

## دو جوان افغان در بریتانیا به جرم‌شان برای پیوستن به داعش اعتراف کردند



۸صبح، کابل: رسانه‌های بریتانیایی گزارش دادند، دو برادر که شهروندان افغانستان هستند و به اتهام اقدام برای پیوستن به شاخه خراسان داعش بازداشت شده بودند، به جرم‌شان اعتراف کرده‌اند. دادگاه محمد عبدالحلیم حیدرخان ۲۱ ساله و محمدحمزه حیدرخان ۱۸ ساله، روز سه‌شنبه، ۲۰ سرطان، در بیرمنگام بریتانیا برگزار شده است.

پس از محکومیت این دو برادر، مارک پین، رییس پولیس ضد تروریسم وست‌میدلندز گفته است: «ما از اعترافات امروز این برادران استقبال می‌کنیم. سنگینی شواهد علیه آن‌ها راهی جز اعتراف برای پیوستن به یک سازمان تروریستی و جنگیدن برای آن‌ها نمی‌داند.»

با این حال، مشخص نیست که دادگاه بیرمنگام چه حکمی برای این مهاجران افغان صادر کرده است. یک قاضی دادگاه چهارشنبه هفته گذشته، حین بررسی پرونده این دو برادر گفت که آنان در سال ۲۰۲۲، به‌گونه چشم‌گیری افراطی شده بودند.

## تفنگ‌داران ناشناس یک نظامی پیشین را در پکتیکا تیرباران کردند



۸صبح، پکتیکا: منابع محلی در پکتیکا می‌گویند که یک نظامی پیشین از سوی تفنگ‌داران ناشناس در شهر شرنه، مرکز این ولایت، کشته شد. این نظامی پیشین روز دوشنبه، ۱۹ سرطان، هدف تیراندازی دو فرد موتورسایکل سوار قرار گرفت. فرد قربانی فضل نام داشت و در حکومت پیشین پولیس بود. به گفته منابع، فضل که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، به ایران پناه برد، چند روز پیش دوباره به کشور بازگشته بود. هرچند طالبان در گذشته در مورد رویدادهای مشابه چیزی نگفته‌اند، اما گفته می‌شود که

جنگ‌جویان این گروه خود دست به قتل نظامیان پیشین می‌زنند. چندی پیش نیز بدرالدین حیدری، فرمانده پولیس ولسوالی بکخیل این ولایت در حکومت پیشین، پس از بازداشت از سوی طالبان در یک دادگاه صحرایی تیرباران شد.

## هجوم مردم به جنگلات پسته در بادغیس و ۱۸ زخمی برجا گذاشت

۸صبح، بادغیس: منابع محلی در بادغیس می‌گویند که در پی شکستن «شول پسته» و هجوم مردم به جنگلات در این ولایت، سه تن در دو رویداد جداگانه جان باختند و ۱۸ تن دیگر زخمی شده‌اند.

منابع به روزنامه ۸صبح گفتند که روز دوشنبه، ۱۹ سرطان، شماری از باشندگان ولسوالی‌های آب‌کمری و جوند، بدون اطلاع قبلی از سوی طالبان، به جنگلات پسته هجوم برده‌اند.

به گفته منابع، در پی ازدحام و وقوع چندین رویداد ترافیکی در مسیر قلعه‌نوآب‌کمری دوتن جان باختند و ۱۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.

منابع تایید می‌کنند که شماری از زخمیان این رویداد توسط طالبان نیز لت‌وکوب شده‌اند. مسوولان محلی طالبان در بادغیس تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند.

در همین حال، یک منبع از ولسوالی جوند این ولایت تصریح کرده که همزمان با آغاز فصل برداشت پسته در این ولسوالی، یک جوان در پی تصادم دو موتورسایکل جان باخت و سه تن دیگر زخمی شده‌اند.

وضعیت شماری از زخمیان این رویداد وخیم گزارش شده است.

باشنده‌گان بادغیس همه‌ساله پس از فرارسیدن فصل برداشت پسته که به آغاز آن «شکستن شول پسته» نیز می‌گویند، به جنگلات پسته می‌روند تا با جمع‌آوری این محصول، برای مدتی مخارج خانواده‌های‌شان را تهیه کنند.

طالبان سال گذشته به مردم در این ولایت هشدار دادند تا بدون اطلاع آنان دست به برداشت پسته نزنند.



## طالبان فعالیت نهادهای مربوط به سویدن در افغانستان را ممنوع کردند

۸صبح، کابل: چند روز پس از آتش زدن نسخه‌ای از قرآن توسط یک شهروند عراقی‌الاصول سویدن، طالبان هرگونه فعالیت این کشور در افغانستان را ممنوع کردند.

ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، روز سه‌شنبه، ۲۰ سرطان، در اعلامیه‌ای گفته است، تا زمانی که سویدن بخاطر این عمل خود از مسلمانان معذرت‌خواهی نکند، به نهادهای این کشور در افغانستان اجازه فعالیت داده نخواهد شد.

در این اعلامیه آمده است: «امارت اسلامی به سویدن دستور می‌دهد تا از هرگونه فعالیت در این کشور جلوگیری کند. ما از تمام ارگان‌های مربوطه می‌خواهیم تا در این زمینه اقدام کنند.»

طالبان از سایر کشورهای اسلامی نیز خواسته‌اند که رابطه خود با سویدن را متوقف کنند.

هفته گذشته یک شهروند عراقی‌الاصول سویدن با آتش زدن نسخه‌ای از قرآن، خشم مسلمانان در سراسر جهان را برانگیخت.

در پیوند به این رویداد، شماری از کشورهای اسلامی آن را محکوم کردند و سازمان همکاری‌های اسلامی در این مورد تشکیل جلسه اضطراری داد.



# در شرکت دولتی نفت و گاز زیر کنترل طالبان چه می گذرد؟

**یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که رییس عمومی شرکت دولتی نفت و گاز تحت مدیریت طالبان همزمان با منکف کردن صدها تن از کارمندان، ۱۶ تن از وابسته‌گانش را در بست‌های کلیدی این شرکت گماشته است.**

سابقه‌دار این نهاد شکایت دارند که براساس دستور رهبر طالبان، مقام‌های ارشد طالبان مکلفند که به‌جای تقرر فرزندان‌شان، افراد دیگر را استخدام کنند. نسخه‌ای از مکتوب فیصله کمیته اجرایی شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان که ریاست اداری و مالی این شرکت آن را به سایر شعبه‌های این نهاد فرستاده، آمده که این اقدام براساس فرمان رهبر این گروه صورت گرفته است. این مکتوب که در ۵ جوزا نشر شده، فرمان رهبر طالبان و فیصله کمیته اجرایی این نهاد را تکثیر کرده و در آن آمده است: «فرمان شماره ۳۰ مورخ ۱۳۴۳/۸/۱۴ ق، اعضای رهبری امارت اسلامی، به‌تمام مسوولین امرتی، امر شده است که براساس تعلقات شخصی به کسی وظیفه ندهند و از آن پرهیز کنند. براساس هدایت شفاهی رهبری امارت، تمام وزارت‌ها، ریاست‌ها، اداره‌های مستقل دولتی که افراد خودی یا فرزندان‌شان را مقرر کرده‌اند، بعد از صدور این حکم، به‌جای افراد وابسته به‌خود، افراد دیگری را مقرر کنند.»

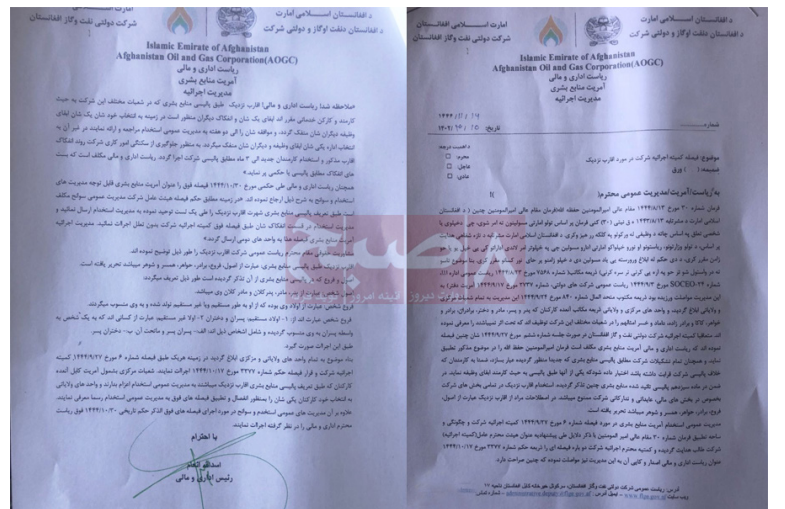
همچنان کمیته اجرایی شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان در صورت جلسه شماره ششم مورخ ۱۳۴۴/۹/۲۷، خویش فیصله کرده که امریت منابع بشری ریاست اداری و مالی مکلف است فرمان رهبر طالبان را در مورد عدم تقرر اقارب نزدیک در دفترهای این شرکت تطبیق کند و تشکیلاتش را مطابق پالیسی منابع بشری که جدیداً منظور شده، آماده کند. در این سند گفته شده که به کارمندیانی که خلاف پالیسی شرکت با هم قرابت داشته باشند، اختیار داده شود که یکی از آن‌ها به‌حیث کارمند ایفای وظیفه کند. در سند رسمی این اداره تصریح شده که براساس ماده سیزدهم پالیسی منابع بشری، استخدام اقارب نزدیک در تمام بخش‌های این شرکت به‌خصوص در بخش‌های مالی، عایداتی و تدارکاتی منع است. این در حالی است که بیشتر از ۱۵ تن از افراد وابسته به رییس عمومی این نهاد در ظرف سه ماه گذشته در بست‌های مهم تقرر حاصل کرده‌اند. در سند دیگری که ریاست اداری و مالی شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان آن را «ملاحظه شد» کرده، آمده است که اقارب نزدیک کارکنان این شرکت، طبق پالیسی منابع بشری که در شعبات مختلف به‌حیث کارمند و کارکن خدماتی وظیفه اجرا می‌کنند، یکی‌شان منکف می‌شود. در مکتوب تذکر رفته که انتخاب انفکاک بر دوش کارکنانی است که با هم قرابت دارند. در مکتوب، کارمندان مکلف ساخته شده‌اند که موافقت‌شان را برای منکف شدن طی دو هفته به مدیریت عمومی استخدام، ارایه کنند، در غیر آن به انتخاب اداره یکی از آن‌ها منکف و دیگری ابقا خواهد شد. در این سند توضیح داده شده که به‌منظور جلوگیری از سکتگی امور شرکت، روند انفکاک اقارب کارکنان و استخدام کارمندان جدید، طی ۳ ماه، مطابق پالیسی شرکت اجرا شود. این مکتوب به ریاست اداری و مالی مسوولیت داده که به‌جای کارمندان منکف شده مطابق پالیسی یا حکم، افراد جدید استخدام کند.

با این حال، کارمندان این شرکت می‌گویند که این فرمان صرف به‌خاطر مقام‌های رهبری طالبان صادر شده و کارمندان دولتی سابقه‌دار را که هر کدام دارای تجربه کافی و تخصص هستند، در این فرمان، بیشتر کارمندان سابقه‌دار را منکف می‌کنند. براساس این دستور طالبان، حدود ۷۰ تن از کارمندان شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان از کار برکنار می‌شوند. این در حالی است که براساس یافته‌های گزارش تحقیقی روزنامه ۸ صبح، طالبان پیش از این نیز ۳۷۹ کارمند این شرکت دولتی را از کار سبک‌دوش کرده‌اند. این در حالی است که براساس فرمان ملاحظه‌الله، کارمندان پایین‌رتبه دولتی که از گذشته به‌حیث کارمند در نهادهای دولتی اجرای وظیفه می‌کردند، نباید اخراج شوند.

است. منابع می‌گویند که افراد تازه مقرر شده، بیشتر خویشاوندان نزدیک او به‌شمول پسر عمه و پسر خاله‌اش هستند. فهرست رییسان و بست‌های کلیدی شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان تحت کنترل طالبان قرار ذیل است:

در همین حال، شماری از کارمندان ریاست عمومی شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این مقام طالبان علاوه بر استخدام نزدیکانش، در قسمت ایجاد، تعدیل، تنزیل و ارتقای بست‌ها، خلاف قانون عمل می‌کند. شماری از کارمندان این شرکت به روزنامه ۸ صبح ادعا می‌کنند که حلقه خاصی در این شرکت، برخی از آنان را تهدید به مرگ کرده است. منابعی که به‌دلیل تهدیدهای امنیتی نمی‌خواهند نام‌های‌شان در گزارش ذکر شود، می‌گویند که به مرگ و اخراج اجباری تهدید شده‌اند. کارمندان این شرکت همچنان تصریح می‌کنند که رییس‌شان خلاف دستور ملاحظه‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، را زیر نام «قرابت با مسوولان» ترتیب و منظور کرده است.

منابع در حالی از انفکاک کارمندان باتجربه و



مقرر شده‌اند. این فهرست نشان می‌دهد که همه این افراد از ولسوالی چک میدان وردک هستند؛ جایی که رییس عمومی این شرکت باشند آن



امین کوه

شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان یکی از نهادهای مهم دولتی در زمینه انتقال، تدارک، توريد، تدخیر و توزیع انواع مواد نفتی و گازی مطابق با معیارهای ملی و بین‌المللی در کشور است. اساس‌نامه این شرکت حکم می‌کند که نهاد باید از سوی افراد متخصص، مسلکی و باتجربه دور از مسایل سیاسی مدیریت شود. طالبان اما با تسلط‌شان بر افغانستان، نزدیک به ۴۰۰ تن از کارمندان این شرکت را سبک‌دوش و به‌جای آنان افراد وابسته به خویش را گماشته‌اند. رییس عمومی شرکت دولتی نفت و گاز تحت مدیریت طالبان در جریان سه ماه گذشته حدود ۱۵ تن از وابسته‌گانش را که همه باشندگان ولسوالی چک میدان وردک هستند، در بست‌های کلیدی این نهاد تعیین کرده است. افزون بر این، کارمندان این شرکت از خویش‌خوری، زورگویی، تهدید به مرگ و تنزیل، ترفیع و منکفی‌های غیرقانونی یک حلقه خاص در این نهاد شکایت دارند. همچنان روزنامه ۸ صبح به اطلاعاتی دست یافته که نشان می‌دهد، معاش و امتیازات افراد وابسته به طالبان در این نهاد خلاف اساس‌نامه و مراحل اداری، افزایش یافته و حتا براساس درخواست افراد، بست‌هایی با معاش گزاف ایجاد شده است.

یافته‌های روزنامه ۸ صبح نشان می‌دهد که رییس عمومی شرکت دولتی نفت و گاز تحت مدیریت طالبان همزمان با منکف کردن صدها تن از کارمندان، ۱۶ تن از وابسته‌گانش را در بست‌های کلیدی این شرکت گماشته است. براساس اطلاعات، محمدنصیر رحیمی، رییس شرکت دولتی نفت و گاز تحت کنترل طالبان، در تمام واحدهای مرکزی و دومی این شرکت، بست‌های کلیدی و درآمدزا را به افراد وابسته به‌خودش که همه باشندگان یک ولسوالی هستند، سپرده است. مشاوریت حقوقی، امریت خدمات، امریت جوازدهی، امریت دفتر، امریت جوازدهی تانک‌های تیل، مدیریت ذخیره گاز مایع، امریت عرضه و توزیع، مدیریت عمومی قراردادها، مدیر عمومی ذخیره، مدیر اجرایی ریاست تجارتي، کارمند جوازدهی، کارمند تانک‌های تیل، کارمند ریاست عملیاتی، مدیریت تدارکات و نماینده ارتباطی با شرکت چینی از بست‌های شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان است که از سوی رییس عمومی این شرکت به افراد متعلق به‌خودش سپرده شده است. روزنامه ۸ صبح تنها فهرستی از افراد وابسته به رییس عمومی شرکت دولتی نفت و گاز افغانستان را به‌دست آورده است که در دفتر مرکزی این شرکت

شماره	نام	بست	وابسته‌گی	ولسوالی	ولایت
۱	نصیر رحیمی	رییس عمومی	هدایت‌الله بدری	چک	میدان وردک
۲	عبدالله معتم	مشاورحقوقی	نصیر رحیمی	چک	میدان وردک
۳	اسدالله انعام	رییس اداری و مالی	نصیر رحیمی	چک	میدان وردک
۴	شاگر	آمر خدمات	بچه عمه	چک	میدان وردک
۵	شعیب	آمر جواز دهی	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۶	صبغت‌الله اکرمی	آمر دفتر	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۷	قریب‌الرحمن	مدیر عمومی داوطلبی تانک‌های تیل	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۸	حسب‌الله	مدیر عمومی ذخیره‌گاز مایع	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۹	محبوب‌الله مسعود	آمر عرضه و توزیع و در حال حاضر سرپرست ریاست تجارتي	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۱۰	مصطفی درپور	درپور	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۱۱	صدام	مدیر عمومی ذخیره	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۱۲	عید محمد	مدیر اجراییه ریاست تجارتي	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۱۳	طارق ولد محمدجان	کارمند جواز دهی	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۱۴	مصباح‌الله	کارمند تانک‌های تیل	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۱۵	خالد	کارمند ریاست عملیاتی	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک
۱۶	رفیع‌الله	مدیر تدارکات	نزدیکان رییس	چک	میدان وردک





# طالبان، تناقض و خودبرتربینی

محمدعلی نظری

نداشت هر چیزی که غیرطالبانی باشد، توسط مردم دیده و شنیده شود. حتی خواندن برخی کتاب‌ها نیز برای مردم دسرساز بود.

حالا نیز سیاست گروه طالبان شبیه سیاست دور اول حاکمیت این گروه است، با این تفاوت که این بار ماهواره‌ها، تلویزیون‌ها، رادیوها و ضبط‌صوت‌ها را نمی‌شکنند، اما آن را به شدت کنترل می‌کنند. در دور اول رسانه‌ها را تعطیل کرد و خودشان رادیو صدای شریعت را راه‌اندازی کردند تا مردم فقط و فقط تبلیغات امارت طالبانی را بشنوند. این بار هر چند دروازه برخی از رسانه‌ها را نبسته‌اند، اما بر آن‌ها کنترل بی‌حدوحصر دارند و محتوای نشراتی آن‌ها را به شدت سانسور می‌کنند. اکنون آن رسانه‌ها مجبور شده‌اند چیزی را نشر کنند و به چشم و گوش مردم برسانند که نفع طالبان را تأمین کند و یا در بهترین حالت آسیبی به روایت طالبانی وارد نیاورد.

هر دستور و فرمانی که از جانب طالبان صادر و بر مردم تحمیل می‌شود، پوشش دینی دارد، ولی به هدف سیاسی صورت می‌گیرد. وقتی پدیده‌ای منافع طالبان را به خطر اندازد، غیراسلامی و خلاف دین خوانده می‌شود و برای حذف آن تلاش صورت می‌گیرد. وقتی که آن پدیده نفع این گروه را تأمین کند، از کراهتش کاسته می‌شود و حتی بخشی از کارزار تبلیغاتی آن‌ها می‌گردد. یکی از این موارد، عکاسی و نقاشی است. طالبان در دور اول حاکمیت خود، عکاسی را منع کرده بودند و آن را خلاف آموزه‌های دینی می‌دانستند. حتی در آغاز تسلط دوباره خود بر کشور، به نقاشان گفته بودند که مخلوقات زنده را به تصویر نکنند، زیرا گناه است. با این حال، این گروه متوجه است که تلویزیون، رادیو، عکس، روزنامه و وبسایت‌های اینترنتی و صفحات شبکه‌های اجتماعی بخش اصلی دنیای تبلیغات معاصرند. اکنون دیگر عکاسی جرم نیست و عکس گرفتن کراهت ندارد. همه‌روزه عکس‌های با کیفیت بالا از سوی این گروه با هدف برجسته‌سازی آن‌چه خودشان دستاورد می‌خوانند، گرفته و نشر می‌شود. این تناقض در مواجهه با هنر عکاسی و پدیده عکس، به دلیل آن است که حالا این هنر در خدمت منافع طالبان قرار دارد و اگر همین امروز هم منافع این گروه را تهدید کند، مسلماً غیراسلامی اعلام می‌شود و فرمانی برای ممانعت از عکاسی و نشر عکس صادر خواهد شد. تلویزیون‌ها و سایر رسانه‌ها نیز همین‌گونه است. وقتی در خدمت افراطیت و عقب‌گرایی قرار گیرد، اشکال شرعی آن رفع می‌شود؛ ولی اگر منافع این گروه را هدف قرار دهد، غیراسلامی می‌شود. موسیقی در نظر طالبان حرام است، ولی اگر همین هنر نیز در خدمت این گروه درآید، اسلامی می‌شود و کراهتش زایل خواهد شد. ترانه‌هایی که طالبان نشر می‌کنند، نوعی از موسیقی است. باری ویدیوهایی از جنگ‌جویان این گروه نشر شد که با موسیقی در داخل مسجد اتن می‌کردند. نمونه‌های بسیاری از این‌گونه ویدیوها موجود است. این می‌رساند که موسیقی فقط برای مردم منع است و طالبان در خلوت خود به آن گوش می‌دهند و با آن می‌رقصند. طالبان که خود را برتر از دیگران می‌دانند، برای آن‌ها هیچ چیزی غیرشرعی و منع نیست، همان‌گونه که به گفته حسن عباس، نویسنده کتاب «بازگشت طالبان»، اختر منصور، رهبر پیشین طالبان شراب می‌نوشیده است. رقصیدن و موسیقی، برای غیرطالب‌ها مضر و حرام است، حتی اگر در خلوت‌های شبانه‌هایشان باشد.

است که طالبان همواره برای تبلیغات روایت خود استفاده می‌کنند. این گروه در همه شبکه‌های اجتماعی فعالیت گسترده دارد و به دلیل اهمیت توئیتر، از آن استفاده بیشتر می‌کند. لشکری از طالبان و هم‌فکران آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی با حساب‌های اصلی و جعلی حضور دارند و پیوسته تبلیغ می‌کنند. باری کاربری چندین عکس از حساب‌های مختلف را نشر کرد که همه به صورت همزمان متن مشابه و در حمایت از طالبان را پست کرده بودند. اکثر آن حساب‌ها نام زنانه و پسوند پنجشیری داشتند. آن کاربر به کنایه خطاب به طالبان نوشته بود که وقتی حساب جعلی می‌سازید، برخی از آن‌ها را بدون پسوند پنجشیری بسازید. کاربر دیگری هم در توئیتر نوشته است که طالبان بیش از ۴۲ هزار حساب جعلی در فیس‌بوک و ۳۵ هزار حساب جعلی در توئیتر ساخته‌اند که کار آن‌ها نشر پروپاگانداس.

به هر روی، توئیتر یکی از میدان‌های اصلی سیاست و بازی طالبان است. همان‌طوری که انس حقانی گفته است، این شبکه اجتماعی بر فعالیت‌های تروریستی محدودیت وضع نمی‌کند و اجازه نشر محتوایی را به طالبان می‌دهد که از آن‌ها برای تبلیغ روایت خود و ترویج خشونت و حتا ترساندن مردم استفاده می‌کنند. کلماتی مانند «استشهادی»، «امارت»، «طالبان» و... که از سوی برخی شبکه‌ها از جمله شبکه‌های مربوط به «متا» بر استفاده آن‌ها محدودیت وضع شده، در توئیتر آزادانه استفاده می‌شود. طالبان حتا ویدیوهای خشونت، شکنجه و کشتار را برای ترساندن مردم در توئیتر نشر می‌کنند. بنابراین، توئیتر میدان جنگ طالبان با مردم افغانستان است. از این لحاظ، برای طالبان اهمیت بالایی دارد.

## تناقض و خودبرتربینی

وقتی طالبان در دهه ۹۰ قدرت را در اختیار گرفتند، نیز رسانه‌ها را تعطیل و نشر موسیقی را منع کردند. شنیدن موسیقی حتا در خصوصی‌ترین مکان‌ها و محافل شخصی هم جرم بود. در آن زمان وقتی طالبان به هر منطقه می‌رسیدند، کسانی که کتاب‌خانه‌های کوچک و شخصی داشتند، قفسه‌ها را آتش می‌زدند و کتاب‌ها را پنهان می‌کردند. برخی از همسایه‌های ما، چندصد جلد کتاب را زیر خاک دفن کردند تا از دست طالبان در امان بماند. طالبان استفاده از تلویزیون و ضبط صوت را هم منع کردند. آن زمان انگشت‌شمار خانواده‌هایی که تلویزیون‌های ماهواره‌ای داشتند، آن‌ها را نیز زیر خاک دفن کردند، مانند کسانی که اسلحه را همین‌گونه پنهان کرده بودند. در آن زمان، فقط خاک بود که می‌شد به آن اعتماد کرد و اشیای گران‌بها را به دست آن سپرد. مردم به یاد دارند که طالبان در ایست‌های بازرسی خود نوار فته‌ها را بر چوب‌ها به نمایش می‌گذاشتند. گوش دادن به هر فته‌ای غیر از فته تلاوت قرآن یا ترانه طالبانی، منع بود. راننده‌ها وقتی نزدیک ایست‌های بازرسی طالبان می‌رسیدند، فته‌های موسیقی را پنهان و فته‌های تلاوت قرآن کریم را روشن می‌کردند.

این‌همه ظاهراً به یک هدف صورت می‌گرفت و آن مغایرت با اسلام بود. در باطن اما شکستن تلویزیون و بر سر چوب دادن نوارهای فته، بخشی از سانسور طالبانی بود. این گروه آن زمان چشم، گوش و ذهن مردم را هم کنترل می‌کرد و برای همین دوست

دادند و آن‌هایی که سانسور را نپذیرفتند، مجبور به ترک کشور شدند. این گروه حتا برخی از کتاب‌ها را مشخص کرده است تا از نشر و فروش آن‌ها جلوگیری شود. چه بسا منتقدانی که صرف به دلیل سخن گفتن از سیاه‌کاری‌های طالبان، به زندان افتادند و دیگر فرصت سخن گفتن نیافتند. از برخی آن‌ها ضمانت مالی و از برخی دیگر اعتراف اجباری و سپس تعهد اجباری گرفته‌اند تا پس از این علیه طالبان سخن نگویند یا از این گروه انتقاد نکنند. با توجه به این نمونه‌ها، سخن گفتن از آزادی بیان توسط یکی از رهبران طالبان، به‌راستی که جالب توجه است.

## ابزاری‌سازی شریعت

سخنان انس حقانی نشان می‌دهد که وقتی شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها در اختیار این گروه قرار داشته باشند و برای تبلیغات آن‌ها فضا و فرصت بدهند، غیراسلامی نیستند و در مغایرت با شریعت قرار نمی‌گیرند. در غیر آن، هم غیرشرعی‌اند و هم خلاف منافع ملی. لباسی را که طالبان برای شریعت اسلامی دوخته‌اند، به اندازه دیدگاه این گروه تنگ و تاریک است. این شریعت که شبیه ایدیولوژی طالبان سفت‌وسخت است، اما مطابق نیازهای این گروه انعطاف را می‌پذیرد. شریعت طالبانی فقط در برابر مردم افغانستان انعطاف ندارد. در حقیقت آن‌چه منافع گروه طالبان را تأمین نکند، غیرشرعی و غیراسلامی است. این تناقض در سایر موارد هم دیده می‌شود. طالبان که زنان افغانستان را از همه حقوق‌شان محروم کرده‌اند و آن‌ها را شکنجه و سنگ‌سار می‌کنند، چندین روز برای یک زن فلسطینی ناله کردند که بر او ظلم شده است. شریعت طالبان از یک زن مسلمان در فلسطین حمایت می‌کند، اما وقتی زن افغان مورد تعرض و ظلم طالبان قرار می‌گیرد، انعطاف نشان می‌دهد. چنین نمونه‌های مضحک از طالبان بسیار دیده شده است. این گروه که برای حل مساله افغانستان به جای گفت‌وگو، تفنگ را برگزیده است و حالا هم تن به مذاکره نمی‌دهد، برای حل نزاع قدرت در سودان نسخه گفت‌وگو می‌پیچد. همچنان باری انس حقانی به‌عنوان سمبول نقض حقوق بشر، از این‌که گویا دولت فرانسه حقوق بشری شهروندان را در جریان اعتراضات اخیر نقض کرده، انتقاد کرد. چنین مواضع متناقضی از سوی طالبان همواره دیده می‌شود و دلیل آن هم منافع سیاسی این گروه است. آن‌جایی که منافع این گروه اقتضا کند، حقوق بشر یک ارزش غربی نیست و خیلی هم اسلامی و قابل دفاع است.

## استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی به منظور تبلیغات

شبکه‌های اجتماعی، مشخصاً توئیتر، از ابزارهایی

**هر دستور و فرمانی که از جانب طالبان صادر و بر مردم تحمیل می‌شود، پوشش دینی دارد، ولی به هدف سیاسی صورت می‌گیرد. وقتی پدیده‌ای منافع طالبان را به خطر اندازد، غیراسلامی و خلاف دین خوانده می‌شود و برای حذف آن تلاش صورت می‌گیرد. وقتی که آن پدیده نفع این گروه را تأمین کند، از کراهتش کاسته می‌شود و حتی بخشی از کارزار تبلیغاتی آن‌ها می‌گردد.**

انس حقانی، یکی از رهبران برجسته و قدرت‌مند طالبان، در توئیتی به امتیازهای توئیتر نسبت به پلتفرم‌های دیگر پرداخته است. او برای توئیتر دو امتیاز را برشمرده که امتیاز اولی آن «آزادی بیان» است. از نظر او، امتیاز دوم توئیتر نسبت به دیگر شبکه‌های اجتماعی، ماهیت عمومی و اعتبار این شبکه است. حقانی در توئیت خود شبکه‌های مربوط به شرکت «متا» را به نابدباری متهم کرده است. این سخنان از طرف یکی از رهبران گروهی گفته می‌شود که در سیاست‌ها و رفتارهای روزمره خود هیچ‌گاه بردبار و شکیبیا نیست.

سخن گفتن یکی از رهبران طالبان از احترام توئیتر به آزادی بیان، از نظر کاربران عجیب است. آن‌ها در مواردی پرسیده‌اند که آیا خود حقانی به آزادی بیان احترام دارد یا نه. کاربری هم گفته است که طالبان همه چیز را به روی مردم بسته‌اند و بعد از آزادی بیان سخن می‌گویند. از نظر این کاربر، چنین سخنانی یک «جوک بی‌خنده» است.

حقیقتاً طالبان میانه‌ای با آزادی بیان ندارند. این گروه هر چه آزادی است، از جمله آزادی بیان، با آن دشمنی دیرینه دارد. مردم در صحبت‌های دوستانه خود هم نمی‌توانند انتقاد کنند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، باری در دانشگاه کابل سخنرانی کرد و گفت که اگر کسی از رهبران طالبان انتقاد دارد، باید خود را به آن‌ها نزدیک کند و انتقادش را به‌صورت مخفی به او برساند؛ امری که نه مقدور است و نه ممکن. چنین موضعی که در حقیقت موضع نظام طالبانی است، حق انتقاد شهروندان را از آن‌ها می‌گیرد.

از سویی، به محض ورود به کابل، طالبان برای سانسور رسانه‌ها تلاش کردند. آن عده رسانه‌هایی که مجبور به ماندن بودند، به سانسور طالبانی تن



# فساد و عملکردهای...

**خویش خوری، عدم استفاده درست از منابع تخصصی و مسلکی از مشکلات اساسی این شرکت دانسته می‌شود. منابع می‌گویند که پیش از این، وزارت مالیه طالبان برای ایجاد پلان استراتژیک شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان، پنج تن از متخصصان خویش را با معاش ماهانه ۸۰ هزار افغانی برای پنج ماه مسوول تهیه و تدوین این سند مقرر کرده است. به گفته آنان، کار این متخصصان نتیجه نداده و هیچ کسی از برابند کار آن‌ها نپرسیده است.**

## خویش خوری و استخدام افراد با معاش بلند

نامه‌ای که در اختیار روزنامه ۸صبح قرار گرفته است، نشان می‌دهد که در آن یک تن از مشاوران شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان با معاش گزاف استخدام شده است. منابع آگاه به روزنامه ۸صبح می‌گویند که محمدثابت خالقی، کارمند پروژه قشقری که درخواست معاش ۱۹۶ هزاره‌اش منظور شده، قبلاً در ریاست اداری شرکت برشنا کار می‌کرد. به گفته منابع، رییس اداری و مالی شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان نیز قبلاً رییس اداری شرکت برشنا بوده و با آمدن این همکار قبلی خود را نیز به این اداره آورده است.

در مکتوب رسمی‌ای که ریاست اداری و مالی این شرکت متن درخواستی خالقی را به منظور افزودن معاشش به ریاست عمومی شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان فرستاده، چنین آمده است: «من محمدثابت خالقی، فرزند عبدالحق، هماهنگ کننده پروژه استخراج نفتی (EPSC)، در طول سه ماه گذشته وظیفه اجرا کرده‌ام، با معاش فعلی خود نمی‌توانم ضرورت‌های روزانه خویش را برآورده کنم. همچنان فرصت کاری در یک شرکت خارجی که ۲ هزار و ۵۰۰ دلار امریکایی معاش می‌دهد، برایم فراهم شده است. از همین خاطر به‌وسیله این درخواستی از مقام رهبری احترامانه درخواست می‌کنم که من را براساس جدول کتگوری A و قدم ۱۰ معاش بدهید.»

در مکتوب، حکم رییس عمومی این شرکت نیز آمده است. محمدنصیر رحیمی، رییس شرکت دولتی نفت‌وگاز تحت کنترل طالبان، در پاسخ به درخواست خالقی نوشته است: «ملاحظه شد. ریاست اداری و مالی! براساس فیصله هیات مدیره و حکم مقام وزارت مالیه برای نامبرده ۱ لک و ۹۶ هزار افغانی منظور است.» این در حالی است که او پیش از این نیز به‌حیث کارمند قراردادی با مبلغ ۸۰ هزار افغانی معاش (NTA)، کار می‌کرد. منابع در این شرکت ادعا می‌کنند که او به‌شکل غیرقانونی در این نهاد استخدام و سپس به‌حیث هماهنگ کننده پروژه استخراج نفتی (EPSC)، تعیین شده است. به گفته منابع، در حالی که هماهنگی با این پروژه براساس لویج این شرکت از مکلفیت‌های ریاست تجارتی است؛ اما ریاست تجارتی در این زمینه دخیل نیست.



خویش خوری، عدم استفاده درست از منابع تخصصی و مسلکی از مشکلات اساسی این شرکت دانسته می‌شود. منابع می‌گویند که پیش از این، وزارت مالیه طالبان برای ایجاد پلان استراتژیک شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان، پنج تن از متخصصان خویش را با معاش ماهانه ۸۰ هزار افغانی برای پنج ماه مسوول تهیه و تدوین این سند مقرر کرده است. به گفته آنان، کار این متخصصان نتیجه نداده و هیچ کسی از برابند کار آن‌ها نپرسیده است. گفته می‌شود که این افراد پس از تکمیل معیاد تعیین شده «بدون هیچ دستاورد» دوباره به وزارت مالیه برگشته‌اند. با آن هم، این شرکت بار دیگر فرد نزدیک به

## طالبان از آغاز دوباره کار استخراج معدن سنگ نفرایت در کاپیسا خبر دادند



**۸صبح، کاپیسا:** مقام‌های محلی طالبان از آغاز دوباره کار استخراج معدن سنگ نفرایت در ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا خبر داده‌اند.

عنایت‌الله ابلاغ، رییس معادن و پترولیم تحت مدیریت طالبان در کاپیسا گفته که کار استخراج این معدن روز یکشنبه، ۱۸ سرطان، آغاز شده است.

این معدن در مساحت ۳۰ هکتار زمین موقعیت دارد و کار استخراج آن با یک شرکت خصوصی برای پنج سال قرارداد شده است.

به گفته او، قرار است از این معدن سالانه سه هزار سنگ استخراج شود.

مقام‌های محلی طالبان مدعی‌اند که با آغاز کار استخراج این معدن، برای بیش از ۱۰۰ تن زمینه کار فراهم شده است.

کار استخراج این معدن در ماه جوزای سال گذشته نیز از سوی طالبان آغاز شده بود، اما پس از مدتی به‌دلیل نامعلوم توقف پیدا کرد.

سنگ نفرایت از سنگ‌های قیمتی در جهان محسوب می‌شود که از آن در ساخت گردن‌بند، گوشواره و ظرف‌های زینتی استفاده می‌شود.

## برنامه جهانی غذا برای حدود یک میلیون

## دانش آموز در کشور بیسکویت توزیع کرده است



**۸صبح، کابل:** برنامه جهانی غذا (WFP)، اعلام کرده که از ماه می تا کنون برای ۹۲۵ هزار دانش‌آموز مکاتب ابتدایه دختران و پسران در افغانستان، بیسکویت توزیع کرده است.

بخش افغانستان برنامه جهانی غذا روز سه‌شنبه، ۲۰ سرطان، در توییتی نگاشته است که این مواد با انرژی بالا، دانش‌آموزان را در زمینه یادگیری کمک می‌کند.

توزیع بیسکویت و مواد مغذی به دانش‌آموزان، بخشی از برنامه‌های WFP در افغانستان است.

این نهاد پیش از این نیز در تهیه مواد غذایی به افراد نیازمند و آسیب‌پذیر از حوادث طبیعی در کشور کمک کرده است.

در همین حال، سازمان هماهنگ کننده کمک‌های بشری در افغانستان (OCHA)، در توییتی از توزیع مواد غذایی به سیلاب‌زده‌گان در کاپیسا خبر داده است.

اوچا در توییتی نگاشته است که این کمک‌ها برای باشندگان منطقه شوخی از مربوطات مرکز کاپیسا، که چند روز پیش در پی سرازیر شدن سیلاب آسیب دیده‌اند، توزیع شده است.

این در حالی است که پیش از این نیز سازمان‌های مدد‌رسان بین‌المللی در افغانستان، به افراد نیازمند در بخش‌های مختلف کمک‌رسانی کرده‌اند.

شرکت است. منابع می‌افزایند که در زمان نظام جمهوریت، شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان، شش موتر صفر کیلومتر نوع Nexia را خریده بود و بنا بر نداشتن نمبرپلیت، مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. به گفته منابع، با آمدن طالبان این موترها بدون مجوز ترافیکی مورد استفاده شخصی قرار گرفته‌اند.

منابع تصریح می‌کنند که افراد وابسته به رییس عمومی این موترها را هنگام رخصتی‌های عیدی به ولایت‌های خود برده‌اند و نیز در روزهای رخصتی مورد استفاده شخصی قرار می‌دهند. به گفته آنان، این موترها در حال حاضر کهنه و خراب شده‌اند و شیشه‌های برخی از این موترها شکسته است؛ اما تا حال نمبرپلیت دریافت نکرده‌اند. یک منبع آگاه که نمی‌خواهد نامش در گزارش ذکر شود، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که آمر دفتر جوازدهی این شرکت یک موتر صفرکیلومتر را در استفاده شخصی‌اش خراب کرده است. او می‌گوید: «شعیب» آمر دفتر جوازدهی، موتر صفر کیلومتر را شدیداً تکر داد. موترکلا از بین رفت. از مصرف اداره پس ترمیم کرد که از لحاظ قانونی باید تاوان سر فرد باشد، چرا که استفاده شخصی کرده و در کار شخصی‌اش تکر [تصادم] کرده است.»

## فساد اداری و پروژه‌سازی

فساد اداری و پروژه‌سازی از ادعاهای دیگری است که از سوی کارمندان این نهاد بر اعضای رهبری شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان تحت کنترل طالبان مطرح می‌شود. منابع می‌گویند که رییس عمومی این شرکت برای خویشاوندانش بست‌های جدید ایجاد می‌کند و حتا کسانی که از طریق امتحان‌های «نمایشی» نیز ناکام شده‌اند، از سوی او استخدام و نام بست تغییر کرده است.

یک منبع آگاه در این شرکت به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «شاکر دست راست رییس عمومی است. بچه عمه‌اش می‌شود. قبلاً به‌حیث آمر خدمات مقرر شده بود. باز بستش را اعلان کردند و شاکر ناکام شد. با ناکامی او روند امتحان لغو شد و نام بست نیز تغییر کرد.» به گفته این منبع، آمریت خدمات به‌نام آمریت تغییر ذخایر، تغییر نام داده شده و این بست در حال حاضر به این نام در تشکیل رسمی این شرکت وجود ندارد.

منابع می‌افزایند که آمریت تغییر ذخایر نیازمند فرد متخصص و مسلکی است. به گفته آنان، فردی که در این بست مقرر می‌شود باید انجنیر باشد، اما در حال حاضر شخص دیگری ریاست عملیاتی شرکت را که بخش مسلکی است و مسوولیت تعقیب تغییر ذخایر را بر عهده دارد، به پیش می‌برد. به گفته منابع، این فرد غیرمسلکی است که می‌تواند خطرات جانی و مالی را برای اداره به‌بار آورد. منابع تاکید می‌کنند که رییس عمومی مسوولیت بخش انجنیری را به‌خاطری به بچه عمه‌اش سپرده تا در پروژه‌سازی و فساد اداری با هم شریک باشند.

یک منبع آگاه به روزنامه ۸صبح می‌گوید که بچه عمه رییس عمومی این شرکت در راس اداره‌ای قرار گرفته است که در سال جاری پروژه حدود ۱۰۰ میلیون افغانی دارد. منابع می‌افزایند: «در سال جدید، تقریباً صد میلیون افغانی پروژه‌اش است. به‌خاطر ترمیم ذخایر و به‌خاطر حیف و میل استخدام شده است تا پروژه‌ها تحت کنترل خودش باشد و از طریق او به پیش برود. این آمریت در تشکیل نیست فقط خودشان نام‌گذاری کرده‌اند.»

این جابه‌جایی در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این نیز طالبان شماری از کارمندان دولتی را که تجربه کاری، تخصص و سابقه زیادی داشته‌اند، برکنار و به‌جای آن‌ها افراد وابسته به خود و شماری از جنگ‌جویان‌شان را مقرر کرده‌اند. این گروه در ماه‌های نخستین حاکمیتش، شماری از کارمندان جمعیت هلال احمر افغانی (سرمیاشت) را برکنار، تنزیل بست و به ولایت دوردست تبدیل کرد.

رییس عمومی را به‌عنوان متخصص تهیه پلان استراتژیک گماشته که قبلاً از سوی متخصصان وزارت مالیه تهیه شده است. به گفته منابع، این فرد صرف برای گرفتن معاش استخدام شده است. به‌قول منابع، او «روزگمی» می‌کند و کار قابل لمسی در این زمینه انجام نداده است.

در همین حال، شماری از منابع در شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان می‌گویند که رییس عمومی این نهاد با اجرای طرح جدید، معاش خود و شماری از اعضای رهبری این شرکت را خلاف دستور رهبری طالبان افزایش داده است، اما به‌جز معاش او و دوستانش، معاش سایر کارمندان مانند گذشته اجرا می‌شود. یک منبع آگاه به روزنامه ۸صبح می‌گوید: «در ماه‌های دلو و حوت سال گذشته یک نورم معاشات جدید منظور شد. قبلاً معاش رییس عمومی ۱ لک و ۵۰ هزار افغانی بود. معاش رییس‌ها ۱ لک بود، حالا حدود ۱ لک و ۸۰ هزار افغانی شده است. معاش آمرین ۵۰ هزار افغانی بود، اکنون ۸۰ هزار افغانی شده است. معاش بست چهار قبلاً ۱۴ هزار افغانی بود، در نورم جدید ۴۰ تا ۴۵ هزار افغانی شد، اما به‌جز رییس عمومی، مشاور حقوقی و رییس اداری و مالی، از دیگران اجرا نشد. معاش این مقام‌ها حتا یک ماه پیش از ایجاد این نورم منظور شده، در حالی که این نورم در ماه حوت ترتیب شده، آنان از ماه دلو نیز این معاش را گرفته‌اند که در تضاد با تمام اسناد قانونی این شرکت قرار دارد.»

این منابع می‌افزایند که در حال حاضر رییس عمومی، رییس اداری و مالی، مشاور حقوقی و کارمندان جدیدالتقرر از معیار جدید معاش می‌گیرند، اما کارمندان سابقه‌دار همان معاش گذشته را دریافت می‌کنند. به گفته منابع، طالبان در این نهاد به کارمندان سابقه وعده داده‌اند که آنان را پس از ارزیابی شامل معیار جدید خواهند کرد، اما پس از سپری شدن حدود پنج ماه، تا کنون هیچ اقدام قانونی در این زمینه صورت نگرفته است.

این در حالی است که براساس ماده هفدهم اساس‌نامه شرکت دولتی نفت‌وگاز افغانستان، حقوق و امتیازات کارکنان شرکت با رعایت احکام قانون شرکت‌های دولتی توسط کمیته اجرایی طرح، از طرف هیات مدیره تأیید و بعد از منظوری هیات نظارت، تطبیق می‌شود. طبق اساس‌نامه، مزد کارکنان شرکت، مطابق قواعد داخلی منظور شده شرکت با در نظر داشت میزان مشارکت در اقتصاد ملی، براساس اهلیت و سطح مهارت کارکنان تعیین می‌شود.

از سوی دیگر، کابینه طالبان کارشیوه‌ای را تصویب کرده است که براساس آن، رییس‌الوزرای این گروه هر ماه ۲۰۰ هزار افغانی معاش و معاونان رییس‌الوزرا ۱۸۳ هزار افغانی، رییس دادگاه عالی ۱۶۷ هزار، وزیران و رییس عمومی استخبارات ۱۳۷ هزار، رییس عمومی اداره امور ۱۲۲ هزار، والیان ۹۱ هزار، معاونان اداره امور ۷۶ هزار، معینان وزارت‌ها ۹۱ هزار، رییس عمومی تفتیش ۶۱ هزار، شهردار کابل ۱۰۶ هزار، شهرداران ولایت‌ها هر یک ۴۵ هزار و رییس عمومی رادیو شریعت ۶۱ هزار افغانی ماهوار تنخواه دریافت می‌کنند. با این حال، دیده می‌شود که این کارشیوه در بیشتر اداره‌های دولتی تحت کنترل طالبان تطبیق نمی‌شود.

## استفاده شخصی از وسایط دولتی و ترمیم آن از بودجه شرکت

منابع می‌گویند که استفاده از وسایط دولتی در امور شخصی از نابسامانی‌های دیگر این



## تندروی در خدمت تندروی

مزدک پارسی



مسلمانان، را به آتش کشیده و یک گروه افراطی دیگر در افغانستان با استفاده از این فرصت، تداوم حضور می‌کند. قرآن‌سوزی در سویدن مزیت کلانی برای طالبان و دیگر گروه‌های تندرو اسلامی دارد؛ مزیتی که منجر به بقای سیاسی و ایدئولوژیک این جریان‌ها می‌شود. گروه‌های تندرو اسلامی - از تنظیم‌های جهادی گرفته تا القاعده، طالبان و داعش - سال‌هاست با اعلام «جهاد در برابر کفار» در افغانستان، مردم را از دسترسی به دانش، مدنیت و دموکراسی دور نگه داشته و خود را به‌عنوان ناجی مسلمانان جا زده‌اند. اگر امروز کسی در ناروی، سویدن و جای دیگری از جهان به کتابی که مسلمانان آن را مقدس می‌پندارند، توهین کند، این اقدام به‌ساده‌گی می‌تواند رویه‌ای را که گروه‌های تندرو اسلامی به‌خصوص داعش و طالبان در پیش گرفته‌اند، توجیه کند: در برابر کسی که به «کتاب مقدس» شما بی‌احترامی می‌کند، باید دست به خشونت بزنید و کاری کنید که آن فرد از آنچه انجام داده تندرو اسلامی از چند دهه به این‌سو به مخالفان‌شان داده‌اند؛ «پاسخ دندان‌شکن» که تنها موثریتش این است که تندروی در جناح مخالف را بیشتر تقویت می‌کند و به این ترتیب، چرخه بازتولید تندروی، خشونت و تروریسم تا بی‌نهایت می‌چرخد.

هر قدر بیشتر با احساسات دینی دشمنان تان بازی کنید، به همان میزان قدرت بیشتری به آنان داده‌اید. جریان‌های تندرو - چه اسلامی باشد و چه غیراسلامی - با آن که دشمن یکدیگرند و تمام هم‌وغم‌شان این است که دیگری را محو کنند؛ اما از راه تقویت یکدیگر، به بقای هم مدد می‌رسانند. یکی به دیگری نیاز دارد تا ضرورت وجودی خود را توجیه کند. دیالکتیک تندروی در جهان سراسر بحرانی و فاجعه‌زده اسیر سرمایه‌داری، این گونه به حیات خود ادامه می‌دهد و پایانی برای آن نمی‌توان

متصور بود. این دیالکتیک خبیثه تندروی به‌حدی در زنده‌گی معاصر انسان‌ها نهادینه شده است که به‌سختی می‌توان از آن فرار کرد.

هر جریان سیاسی چرایی حضور خودش را در جامعه توجیه می‌کند. جریانی که نتواند فلسفه وجودی خودش را توجیه کند، در نهایت از صفحه روزگار محو می‌شود. جریان‌های سیاسی برای این که بتوانند چرایی حضور خود را در جامعه ثابت کنند، به دلایل محکمی نیاز دارند. اما قوی‌ترین دلیل توجیه و اثبات تندروی خود تندروی است. اگر تزی نباشد، آنتی‌تزی پدید نمی‌آید.

تندروی به این دلیل ترویج بیشتری می‌یابد که جناح مخالف دست از هجوم و یا مقاومت برمی‌دارد و حاضر نیست تن به شکست بدهد. صلح و سازش با سرشت تندروی همخوانی ندارد. اگر گروه‌ها و جریان‌های سیاسی تندرو به صلح و سازش تن دهند دیگر وجود ندارند؛ یعنی از تندرو به میانه‌رو بدل شده‌اند. ترویج تندروی فرصت میدان‌سازی برای رویکردهای مسالمت‌آمیز و میانه‌رو را از میان می‌برد و نیروهایی را که از این گونه رویه‌ها پشتیبانی می‌کنند، به حاشیه می‌راند. وقتی تندروی دلایل کافی برای توجیه حضور خود در جامعه داشته باشد و این دلایل و بهانه‌ها همه روزه بازتولید شوند، گرایش صلح‌خواهانه در جریان‌های تندرو - که همواره در اقلیت است - بیشتر از پیش منزوی می‌شود.

تندروی مواجهه عقل‌گرایانه با واقعیت بد (از نظر تندروان) نیست. با واقعیت «بد» باید به‌گونه‌ای مبارزه کرد که زمینه و فرصت تازه‌ای برای تکثیر و بازتولید آن واقعیت ایجاد

گونه هر دو گروه جنگ‌جو متحد شدند و رهبران القاعده به ملا عمر بیعت کرده و او را امیرالمومنین، یعنی رهبر همه مسلمانان، خواندند. همکاری متقابل همه‌جانبه و روابط دوستانه بین هر دو گروه به‌تدریج وسعت یافت و مستحکم‌تر شد. القاعده در آن سال‌ها طالبان را در جنگ با اتحاد شمال همکاری می‌کرد. این همکاری به مساعدت‌های مالی محدود نمی‌ماند، بلکه جنگ‌جویان گروه القاعده در کنار طالبان می‌جنگیدند و در اداره جنگ و آموزش فرماندهان طالب نقش داشتند. در عوض این همکاری‌ها، طالبان خاک کشور را در اختیار القاعده گذاشته بودند تا آزادانه در آن زنده‌گی و فعالیت کنند. پایگاه‌های نظامی و آموزشی القاعده در نقاط مختلف افغانستان ایجاد شده بود. پایگاه آموزشی الفاروق در ولایت قندهار یکی از پایگاه‌هایی بود که در آن‌ها جهادگران برای انتقال جنگ و تروریسم به گوشه‌های مختلف جهان آموزش می‌دیدند. این فعالیت‌ها و برنامه‌های تروریستی القاعده از چشم طالبان پنهان نبود و آنان بدون پنهان‌کاری از جنگ برای نابودی امریکا سخن می‌گفتند.

پس از سقوط رژیم طالبان در ۲۰۰۱، القاعده یک پناه‌گاه در وزیرستان ایجاد کرد و از همان‌جا به حمایت گروه طالبان که دوباره در حال عضوگیری و انسجام بود، به‌خصوص به حمایت شاخه جلال‌الدین حقانی ادامه داد. بعدها القاعده حضور خود را در ولایات شرقی و جنوبی کشور گسترش داده و از طالبان در جنگ با دولت افغانستان حمایت کرد. فعالیت القاعده در کنگر و نورستان را فردی بنام فاروق القحطانی رهبری می‌کرد. قحطانی تابعیت قطر را داشت و در ماه عقرب ۱۳۹۵ خبر کشته شدنش در رسانه‌ها نشر شد.

هنگامی که اسامه بن لادن در ماه می ۲۰۱۱ کشته شد، ایمن الظواهری جانشین او اعلام گردید و او به ملا عمر تجدید بیعت کرد. ملا عمر در سال ۲۰۱۳ در شفاخانه‌ای در کراچی جان داد، ولی خبر مرگش دو سال بعد اعلام شد. بعد از آن الظواهری به ملا اخترمحمد منصور، جانشین ملا عمر، بیعت کرد و همین‌طور با کشته شدن منصور، به رهبر بعدی طالبان، ملا هبت‌الله، اعلام بیعت کرد.

القاعده در مدت جنگ طالبان با جمهوری اسلامی افغانستان در کنار طالبان جنگید، جنگ‌جویان این گروه را در عملیات شهری و بمب‌گذاری‌های انتحاری آموزش داد. بدون شک که اعضای القاعده در انجام عملیات‌های

اخیراً فردی در سویدن اقدام به قرآن‌سوزی کرده که مثل همیشه واکنش مسلمانان در کشورهای مختلف را به دنبال داشته است. این نخستین بار نیست که فردی در سویدن دست به چنین کاری می‌زند. در گذشته نیز یک سیاست‌مدار راست‌گرا در این کشور نسخه‌ای از قرآن را آتش زد که سبب اعتراض مسلمانان شد و از جمله در افغانستان مردم دست به راه‌پیمایی زدند. طالبان اما در واکنش به مورد اخیر قرآن‌سوزی، تمام فعالیت‌های سویدن در افغانستان را ممنوع کرده و هشدار داده‌اند که اگر سویدن از مسلمانان پوزش نخواهد، فعالیت‌های آن کشور در افغانستان بیشتر مصروف فعالیت‌های بشردوستانه است. کمیته سویدن یکی از نهادهایی به‌شمار می‌رود که از سال‌های زیادی به این‌سو در افغانستان مشغول کمک‌رسانی به نیازمندان است و حتا در جریان جنگ‌های داخلی و سپس حاکمیت دور اول طالبان که بحران و فاجعه همچنان بر زنده‌گی مردم سایه افکنده بود، کمک‌رسانی به مردم را متوقف نکرد. حالا نیز که کشور دوباره اسیر توحش طالبانی شده و مردم فقر و فاجعه را بیشتر از زمان حکومت مورد حمایت غربی‌ها تجربه می‌کنند، کمیته سویدن به کارش ادامه می‌دهد.

اگر فعالیت‌های بشردوستانه این کمیته در افغانستان بنابر دستور تازه طالبان متوقف شود، تنها کسانی زیان‌مند می‌شوند که به کمک‌های بشردوستانه سویدن نیاز دارند؛ مردمی که طالبان در حاکمیت دوم‌شان نیز مثل دور اول، تا توانسته‌اند به آنان بیکاری و فقر به ارمغان آورده‌اند و حتا از کمک‌های بشردوستانه اختصاص‌یافته به آنان نیز باج‌گیری کرده و خویشاوندان و اقارب‌شان را در فهرست افراد مستحق جا می‌دهند. نیازمندان بار دیگر بهای تندروی‌ای را می‌پردازند که نقشی در شکل‌گیری آن ندارند. یک مرد افراطی در سویدن قرآن، «کتاب مقدس»

## امریکا از تاریخ نیاموخته است

داکتر ضیا نظام



از جمله اعضای مهم القاعده می‌باشند. دو تن اول قبل از سقوط دولت افغانستان اعضای شبکه حملات تروریستی بر کابل بوده‌اند. دست آنان به کشتار و بدبختی هزاران افغان آلوده است. گذشته از این، اعضای القاعده جهت آموزش طالبان در ساحت اداری و امنیتی، خصوصاً در وزارت دفاع طالبان، مشغولند. آنان با خود پاسپورت افغانستان و کارت هویت طالبان را دارند.

این که ادعا می‌شود فعالیت القاعده بعد از تسلط طالبان بر افغانستان، تضعیف شده و یا دامن فعالیت‌های آن گروه از کشور ما برچیده شده است، با واقعیت همخوانی ندارد و یک ادعای سیاسی رموز است. رهبران دولت امریکا به هر دلیلی که به موضوع چشم‌پوشی از گسترش فعالیت‌های تروریستی و افزایش حضور گروه‌های تروریستی دارای آجندهای منطقه‌ای و جهانی، افتاده باشند، نتیجه‌اش برای مردم افغانستان و همچنان برای مردم منطقه و جهان، از جمله ایالات متحده، ناگوار خواهد بود. در واقع امریکا اشتباهات گذشته‌اش را تکرار می‌کند. در این مورد بیل دوجو، سردبیر مجله مشهور «جنگ طولانی» می‌نویسد: «این ایالات متحده نیست که از طالبان کمک می‌گیرد بلکه القاعده است که به کمک طالبان در افغانستان فعالیت می‌کند.»

کشته‌شدن ایمن الظواهری، رهبر القاعده، در اواخر ماه جولای سال گذشته در حمله هواییمی بدون سرنشین امریکایی در کابل نشان داد که رابطه طالبان و القاعده خیلی نزدیک‌تر از آن است که تصور کنیم طالبان مانع فعالیت القاعده شوند. برای آگاهی بیشتر از واقعیت رابطه مستحکم طالبان و القاعده، بهتر است به گذشته نظر انداخته شود. در سال ۱۹۹۶ به اسامه بن لادن و پیروانش اجازه دادند که در افغانستان پایگاه و آموزشگاه بسازند. این

ایالات متحده امریکا در مورد افغانستان چند بار اشتباه مشابه را مرتکب شده است. آخرین اظهارات رییس جمهور بایدن در این زمینه بیان‌گر اعتماد امریکا به طالبان جهت از بین بردن القاعده در افغانستان می‌باشد. اخیراً رییس جمهور ایالات متحده امریکا مدعی شد که القاعده فعلاً در افغانستان حضور ندارد و این امر از برکت کمک طالبان تحقق پذیرفته است. ظاهراً رییس جمهور امریکا می‌گوید که طالبان به آن کشور وعده سپرده که مانع رشد نفوذ القاعده در افغانستان گردد و امریکا به آن گروه در پیوند به تضعیف و نابودی القاعده اعتماد کرده است. معلوم می‌شود که معامله‌ای بین امریکا و طالبان انجام شده و در بدل حمایت‌های استخباراتی، سیاسی و مالی امریکا، طالبان موظف به انجام ماموریت‌هایی شده‌اند که پیامدهای آن برای مردم افغانستان ناگوار خواهد بود. نتیجه فوری آن افتادن چهل میلیون افغان به‌دست یک گروه دهشت‌افکن و متعصب است که به کار، تحصیل و آزادی‌های مردم نه تنها ارزش و احترامی قایل نیست، بلکه به‌صورت دودام‌دار و پی‌گیر محدودیت‌های آشکارا ضد بشری در برابر آن‌ها وضع می‌کند. چنین معامله دردناک میان یک ابرقدرت و یک گروه عقب‌مانده کم‌سابقه است.

حضور القاعده در افغانستان انکارناپذیر است. این گروه در افغانستان فعالیت دارد و طالبان را در بسی جهات کمک می‌کند. چنان‌که در گزارش نهم ماه جون امسال سازمان ملل متحد آمده است، القاعده همین اکنون در شش ولایت افغانستان (هلمند، زابل، ننگرهار، نورستان، بادغیس و کنگر) فعال است و در اردوگاه‌های آموزشی‌اش به گروه‌های دهشت‌افکن دیگر آموزش می‌دهد. به اضافه آن، القاعده در بعضی از ولایات افغانستان خانه‌های امن و در هرات یک مرکز رسانه‌ای دارد. در گزارش مذکور آمده است که بعد از تسلط طالبان بر افغانستان، روابط این دو گروه مستحکم‌تر نیز شده است. همچنان در گزارش متذکره نام برخی از اعضای بلندپایه القاعده که در حکومت طالبان شغل رسمی دارند ذکر شده است. قاری احسان‌الله بریال، والی کاپیسا، حافظ محمداقاً حکیم، والی نورستان، و تاج‌میر جواد، معاون ریاست عمومی استخبارات طالبان،



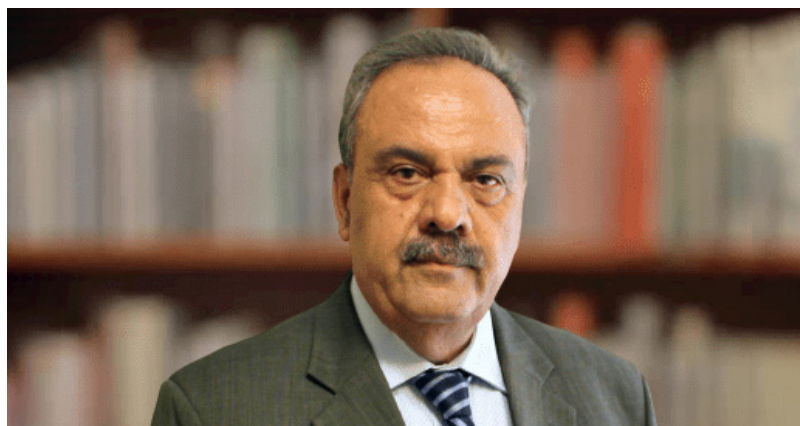
در این عکس اسامه هنگام مصاحبه با هارون میر، خبرنگار پاکستانی، دیده می‌شود. اسامه که سال‌های نخست فعالیت جهادی‌اش را در پشاور سپری کرد، روابط نزدیکی با حلقه‌های پاکستانی داشت. او سال‌ها چون صاحب‌خانه در امارت طالبان زنده‌گی و فعالیت کرد و عاقبت در کنار پایگاه مهم نظامی پاکستان در ایت‌آباد کشته شد.

انتحاری و بمب‌گذاری‌ها نیز مستقیم سهم گرفتند و دست‌شان به خون هزاران هموطن ما آغشته است. گزارش‌ها حاکی از نقش برجسته القاعده در عملیات‌های انتحاری در کابل و دیگر شهرهای افغانستان می‌باشد. وحید مژده، یکی از ماموران بلندپایه وزارت خارجه امارت اول طالبان، در مصاحبه خود با بی‌بی‌سی به تاریخ ۴ می ۲۰۱۱ گفته بود که رهبران طالبان به رهبران القاعده مکرراً می‌گفتند که شما مهمان نیستید بلکه صاحب‌خانه هستید. دیده می‌شود که طالبان و القاعده ارتباط دیرینه و ناگسسته‌ای داشته و از نگاه عقیدتی و سازمانی مشترکات زیاد دارند. ازاین‌رو، وعده طالبان به امریکا مبنی بر جلوگیری از نفوذ القاعده، وعده میان‌تهی است و آتانی که تصور می‌کنند طالبان در نابودی آن شبکه تروریستی یاری خواهند کرد، اشتباه می‌کنند. واگذاری سرنوشت یک کشور به طالبان در بدل چنین وعده‌های دروغین در بهترین حالت ساده‌لوحی است، و در غیر آن جز همدستی با شورشیان و تروریستان در ایجاد آشوب و ناامنی در منطقه ما نام دیگری نمی‌توان به آن داد.

ادامه در صفحه ۷



# درنگی بر گفته‌های آصف علی درانی



شجاع‌الدین امینی

رانائال‌الله، وزیر داخله پاکستان، در نیمه جون سال روان در گفت‌وگو با بخش اردوی صدای امریکا پرده از رخ معامله پنهانی با گروه طالبان برداشت: انتقال اعضای طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) از مناطق مرزی به شمال و غرب افغانستان. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در آغاز بدون آن که از مناطق خاصی نام ببرد، به گفته وزیر داخله پاکستان مهر تایید زد. دیری نگذشت که موصوف در گفت‌وگو با تلویزیون طلوع به انتقال تی‌تی‌پی به مناطق شمالی و غربی اعتراف کرد: «تصمیم در این زمینه براساس منافع مشترک افغانستان (طالبان) و پاکستان گرفته شده است.» افشای این معامله با واکنش گسترده‌ای از سوی نیروهای مخالف طالبان، برخی کشورها و نهادهای بین‌المللی مواجه شد و آن را به زبان یک‌بارچه‌گی افغانستان خواندند.

به‌تازگی آصف علی درانی که از ۲۳ می سال روان بدین سو به‌حیث نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان گماشته شده است، با صدای امریکا پیرامون طرح انتقال تی‌تی‌پی از مناطق مرزی به مناطق داخلی افغانستان گفت‌وگو کرده است. در این نوشته تلاش می‌شود به نکته‌های مهم این گفت‌وگو پرداخته شود:

۱- پاکستان به‌مثابه حامی طالبان از عملکرد این گروه زیاد راضی به نظر می‌رسد. این طور می‌توان فهمید که هیچ‌عاملی حتا خطر تی‌تی‌پی نمی‌تواند تاروا بسته‌گی طالبان به اسلام‌آباد را بگسلاند. پاکستان اگر صد نقطه ضعف از طالبان ببیند، از آن چشم می‌پوشد، ولی [به فرض محال] اگر یک نقطه قوت ببیند، آن را بازتاب جهانی می‌دهد. درانی گفته است: «پاکستان از اقدامات طالبان افغانستان برای مقابله با تروریسم فراموشی استقبال می‌کند.» هدف درانی از «تروریسم فراموشی» تی‌تی‌پی است، ولی تی‌تی‌پی را نمی‌توان فراموشی خواند. هدف تی‌تی‌پی جنگیدن علیه دولت پاکستان است و فعالیت آن نیز محصور در مرزهای این کشور است. از نیمه اگست ۲۰۲۱ تا این دم، نشانه‌ای در دست نیست که تی‌تی‌پی علیه بقیه کشورهای منطقه و جهان دست به فعالیت هراس‌افگانه زده باشد. البته ادعا می‌شود که این گروه در گذشته در کنار طالبان در افغانستان حضور داشته است. درانی از قراردادن تی‌تی‌پی ذیل «تروریسم فراموشی» دو هدف را دنبال می‌کند: ۱- خطر تی‌تی‌پی را زیاده از حد برجسته نشان می‌دهد و می‌خواهد که نگاه سایر کشورها را به پاکستان در خصوص مبارزه با این گروه معطوف کند؛ ۲- طالبان را یک گروه مسوول می‌نماید که گویا به‌تنهایی علیه «تروریسم فراموشی» می‌جنگد.

۲- به‌نظر می‌رسد که پاکستان، چین و طالبان

مثلت واحدی را تشکیل داده‌اند و این مثلث هنگام برگزاری نشست سه‌جانبه در اسلام‌آباد در ۶ می سال روان ایجاد شده است. احتمال می‌رود اسلام‌آباد از چین به‌مثابه ابزار فشار علیه طالبان به‌منظور آنچه سرکوب تی‌تی‌پی خوانده می‌شود، استفاده کرده باشد. همچنان پس از تدویر این نشست، خبری در رسانه‌ها درز کرد مبنی بر این که طالبان برای سرکوب اوبغورها به چین تعهد کتبی داده‌اند. درانی گفته است: «حکومت طالبان اخیراً اقدامات خاصی را جهت رسیدگی موثر به نگرانی‌های تروریسم فراموشی پاکستان و سایر کشورهای همسایه از جمله چین روی دست گرفته است.» دو نکته در این جا قابل توجه است: ۱- از اقدامات خاص نام برده است و طالبان را در مبارزه با تروریسم جدی و متعهد معرفی کرده است. این در حالی است که طالبان هیچ اقدام خاصی برای رفع نگرانی همسایه‌ها روی دست نگرفته، جز طرح انتقال تی‌تی‌پی به مناطق شمالی و غربی که به‌جای دفع ناامنی به خلق ناامنی می‌انجامد. ۲- از چین نام برده است که نام‌بردن از چین می‌تواند ادعای تشکیل مثلث «پاکستان، چین و طالبان» را تایید کند.

همچنان گفته است: «کنه‌هایی از تی‌تی‌پی و اوبغورها و سایر گروه‌ها در آن جا وجود دارند که مایه نگرانی هستند. هم پاکستان و هم چین امیدوارند که حکومت افغانستان (طالبان) اقدامات عملی را انجام دهد.» طوری صحبت کرده که خواننده فکر می‌کند گویا دارد به نماینده‌گی از چین نیز صحبت می‌کند. چیزی که برای فعلاً می‌توان فهمید این است که میان پاکستان و چین در خصوص چه‌گونه‌گی مواجهه با طالبان همسویی کامل وجود دارد، تا جایی که نماینده ویژه اسلام‌آباد در امور افغانستان می‌تواند به‌جای چین صحبت کند.

۳- طالبان را «حکومت افغانستان» خطاب کرده است. خطاب‌کردن طالبان به‌نام «حکومت افغانستان» از سوی نماینده پاکستان به‌نظر می‌رسد که پایان کار باشد و این کشور علناً طالبان را به‌رسمیت شناخته و تنها کاری که باقی مانده طی مراحل رسمی آن از طریق وزارت خارجه است. این در حالی است که بقیه کشورها حتا همسایه‌هایی که به نحوی دلگرمی به طالبان دارند، از خطاب‌کردن این گروه به‌نام «حکومت افغانستان» ابا می‌ورزند. برای نمونه، مقام‌های دولت ایران، طالبان را «حاکمان فعلی افغانستان» خطاب می‌کنند. همین‌طور، بقیه کشورهای طالبان را به نامی مخاطب قرار می‌دهند که دلالت بر حکومت رسمی نکند. درانی گفته است: «این اقدامی است که حکومت افغانستان اتخاذ می‌کند. بنابراین باید منتظر ماند و نتایج آن را دید.» همچنان در پاراگراف دوم بند ۲ نیز از «حکومت افغانستان» یاد کرده است که در فوق تذکر رفت.

۴- پاکستان به اصل حسن همجواری، احترام به تمامیت ارضی، پرهیز از مداخله در امور داخلی افغانستان قطعاً التزام ندارد. این کشور، افغانستان را تبدیل به حیاط خلوتش کرده و بر وفق مرادش در این میدان بی‌صاحب فرس می‌راند. درانی می‌گوید: «عملیات نظامی پاکستان، تی‌تی‌پی را از هرگونه کنترل ارضی محروم کرده است و انتقال آن‌ها از مناطق مرزی نشان می‌دهد که اکنون به بار دوشی برای طالبان افغانستان تبدیل شده‌اند.» این عمق بدنیتی پاکستان نسبت به افغانستان را نشان می‌دهد که نماینده ویژه‌اش با افتخار می‌گوید کاری کرده‌ایم که تی‌تی‌پی بار دوش افغانستان شده است. همچنان گفته است: «اگر این جابه‌جایی تی‌تی‌پی واقعاً اتفاق بیفتد و منجر به صلح در سراسر مرزهای ما شود، این یک تحول مهم خواهد بود و ما از آن استقبال خواهیم کرد.» این‌طور می‌شود فهمید که پاکستان سود و بقای خود را در زبان و فنای دیگران جست‌وجو می‌کند. انتقال تی‌تی‌پی از مناطق مرزی، پاکستان را امن کند، کفایت؛ این که مردم افغانستان و دیگر همسایه‌ها را به چه مصیبتی گرفتار سازد، اهمیتی برای پاکستان ندارد. انصاف این است که پاکستان به سرکوب و نابودی تی‌تی‌پی تاکید کند، نه انتقال آن به مناطق داخلی افغانستان. به نظر می‌رسد که اسلام‌آباد در سرکوب این گروه جدی نیست و بازی موش و پشک راه انداخته است. ورنه به طالبان هدایت نمی‌داد که از تی‌تی‌پی در شمال و غرب افغانستان خوب مهمان‌داری کنند.

۵- درانی افغانستان تحت سلطه طالبان را نسبت به گذشته خیلی خوب توصیف می‌کند. تناقض این‌جاست که از بدو برگشت طالبان به قدرت میان این گروه و پاکستان بر سر حضور تی‌تی‌پی در افغانستان ظاهراً نزاع وجود داشته است. همچنان در ۴ جولای سال روان وزیر دفاع پاکستان در نشست مشترک با وزیر دفاع تاجیکستان، وضع موجود در افغانستان را تهدید مشترک برای هر دو کشور دانست. با این وجود گفته است: «در مقایسه با گذشته، افغانستان بسیار صلح‌آمیز است.» هدفش از تامین امنیتی است که طالبان همیشه به‌مثابه دستاورد به رخ دنیا می‌کشند. درانی وضع حاکم بر افغانستان را به سود معاملات اقتصادی پاکستان با آسیای میانه می‌داند: «تجارت ما با کشورهای آسیای میانه قبل از خروج امریکا نزدیک به ۵۵ میلیون دالر بود، ولی این روزها افزایش سه برابری داشته و به ۲۰۰ میلیون دالر رسیده است.» یکی از آرزوهای پاکستان تشکیل حکومتی در افغانستان بوده که بتواند دروازه آسیای میانه را همیشه به‌روی این کشور باز نگه دارد که به‌نظر می‌رسد به این خواست خود رسیده است.

۶- اسلام‌آباد موازنه میان چین و امریکا در خصوص مواجهه با قضایای افغانستان را تا این دم ماهرانه حفظ کرده است. درانی در کنار چین از امریکا و موضع خوش‌بینانه این کشور در قبال طالبان نیز گفته است: «همان‌طوری که جو بایدن نیز به همکاری طالبان افغانستان و مقام‌های امریکایی در اتخاذ اقدامات ضد تروریستی اشاره کرده است، ما هم همان انتظار را داریم و این روند آغاز شده است.» این گفته نشان می‌دهد که ممکن است همسویی میان پاکستان و امریکا در خصوص آنچه مبارزه علیه تروریسم از سوی طالبان خوانده می‌شود، وجود داشته باشد، چنانی که با چین وجود دارد. به این معنا که پای پاکستان در قتل رهبر القاعده در کابل ممکن است در میان باشد و همین‌طور امریکا برای آن که بتواند همزمان هم رضایت اسلام‌آباد را به‌دست آورد و هم به رقیبان منطقه‌ای خود درد سر بیافریند، در دور ساختن انتقال

تی‌تی‌پی از مناطق مرزی نقش داشته باشد. همچنان می‌گوید: «دور بودن یا عدم تعامل با طالبان که اکنون در کابل قدرت دارند، کمکی نخواهد کرد. این درک وجود دارد و به همین دلیل جو بایدن و دیگران از برخی اقدامات طالبان از جمله از بین بردن خشخاش تمجید کرده‌اند.» این نشان می‌دهد که تی‌تی‌پی اگر پاکستان را و طالبان افغانستان را به آتش بکشند، باز هم مقام‌های اسلام‌آباد بر تعامل گرم جهان با طالبان تاکید می‌کنند و آن را راهگشا می‌خوانند. ادعای موصوف در پیوند به نابودی خشخاش از سوی طالبان اشاره به روزنامه بریتانیایی تلگراف دارد که در ۲ جولای سال روان با نشر گزارشی از به اصطلاح مبارزه طالبان برای نابودی خشخاش تمجید فراوان کرده بود. نکته دیگری که می‌توان فهمید این است که هر کشوری ممکن است به‌گونه جداگانه با توجه به نگرانی‌های امنیتی خود وارد معامله با طالبان شده باشد. چین از طالبان تعهد کتبی دریافت کرده و پیدا نیست که چه امتیازی به این گروه داده باشد. امریکا اعتراف کرد که در کشتن رهبر القاعده با طالبان همکاری داشته است و شاید دادوستدی در میان باشد. همین‌طور پاکستان از طرح دورساختن تی‌تی‌پی از مرزها خبر داد. پیدا نیست که چه معاملات دیگری میان سایر کشورها و طالبان در راه است.

تنها نقطه قوت گفت‌وگو این بود که درانی به‌گونه روشن از جابه‌جایی تی‌تی‌پی در مناطق داخلی افغانستان سخن زد، نه مهاجران. این در حالی است که طالبان بیشتر می‌کوشند از جابه‌جایی مهاجران بی‌سرپناه بگویند تا اعضای تی‌تی‌پی و این به‌خاطری است که مبادا بیشتر با خشم افکار عامه در افغانستان مواجه شوند.

از صفحه ۶

## امریکا از...

ایالات متحده چند بار دچار چنین خطا و همدستی خواسته یا ناخواسته با تروریستان شده است. در آغاز جهاد علیه اشغال شوروی از گروه‌های تندرو و تروریستی حمایت کرد، از جمله در انتقال جهادگرایان و تندروان عرب به افغانستان و کمپ‌های مهاجران در پاکستان یاری رساند که از درون آن جهادیان، سازمان مخوفی چون القاعده سربلند کرد. در مرحله بعدی برای سال‌ها به فروافتادن افغانستان در چاله آشوب و خانه‌جنگی چشم پوشید و رشد انواع ویروس‌های تندروی و افراطیت را در خاک افغانستان تماشا کرد. بعدها وقتی در یازدهم سپتامبر گرفتار عواقب رشد تروریسم شد، با پاکستان که متحد استراتژیکش می‌خواند، ظاهراً در جنگ علیه تروریسم همکاری می‌کرد، در حالی که رهبران خطرناک‌ترین شبکه‌های تروریستی در خاک پاکستان پناه گرفته بودند. از جمله اسامه بن لادن در نزدیکی پایتخت آن کشور و کنار یکی از مراکز مهم نظامی در ایب‌آباد کشته شد. اکنون افغانستان به میدان فعالیت و پرورش دهشت‌افگنان کل منطقه بدل شده است. دیری نخواهد گذشت که این همه گروه‌های تروریستی که در افغانستان گردهم آمده‌اند، شورش و ناامنی را به همسایه‌گان افغانستان و از آن‌جا به سراسر منطقه و نقاط دور جهان صادر خواهند کرد و جنگ‌های خطرناک و بسیار خونین را به راه خواهند انداخت.



دادگاهی در آلمان یک عضو داعش را به دلیل شکنجه زندانیان به جنایت جنگی متهم و به ۱۱ سال زندان محکوم کرد. بر بنیاد گزارش اسوشیتدپرس، دادگاه منطقه‌ای در برلین روز سه‌شنبه، ۱۱ جولای، این فرد سوری را که «راعد ای» ۳۲ ساله معرفی شده است، به عضویت در سازمان‌های «تروریستی» خارجی و چند جرم دیگر نیز متهم کرد. دادستان‌ها اعلام کردند که این فرد در سال ۲۰۱۴ به داعش پیوست و در حمله به قبیله «الشعیطات» در دبرالزور سوریه نقش داشت. یکی از افرادی که توسط این عضو داعش اسیر و شکنجه شده بود، در دادگاه علیه او شهادت داده است. راعد ای، در سال ۲۰۱۵ سوریه را ترک کرد و به آلمان رفت، اما وی سال گذشته در این کشور بازداشت شد.



### مسکو در مورد موافقت ترکیه برای پیوستن سوئدن به ناتو: موقعیت ترکیه را درک می‌کنیم

سخنگوی کرملین در واکنش به موافقت ترکیه برای پیوستن سوئدن به ناتو گفته است که به‌رغم همه اختلاف‌ها، موقعیت ترکیه را درک می‌کند. این سخنان را دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز سه‌شنبه، ۱۱ جولای، بیان کرده است. به گفته وی، روسیه مایل است به روابط دوجانبه با ترکیه ادامه دهد. این در حالی است که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، پس از یک سال ممانعت از پذیرفته شدن درخواست سوئدن برای پیوستن به ناتو، موافقت خود با این موضوع را اعلام کرده است. پیش از این، اردوغان گفته بود، در صورتی که اتحادیه اروپا با پیوستن کشورش در این اتحادیه موافقت کند، ترکیه نیز از عضویت سوئدن در ناتو حمایت خواهد کرد. انقره که از سال گذشته مانعی بر سر عضویت سوئدن در ناتو بود، از این کشور خواسته تا سخت‌گیری‌های قانونی بیشتری درباره «شبه‌نظامیان» کرد در سوئدن اعمال کند.

### هند فضاپیمایی را به مهتاب می‌فرستد

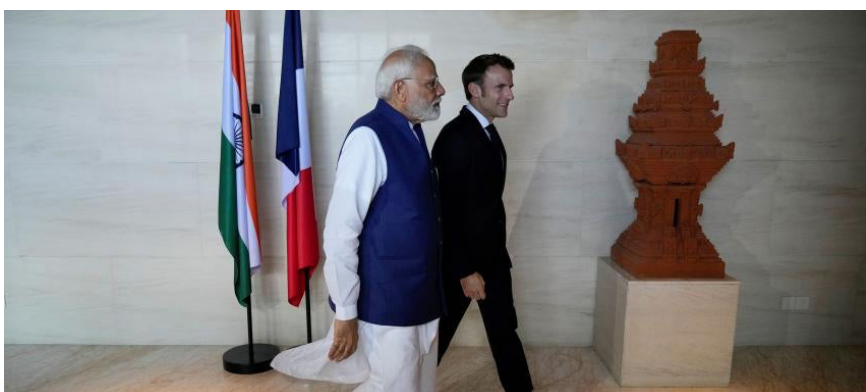


بر بنیاد گزارش‌ها، هند اواخر هفته روان فضاپیمایی را به مهتاب می‌فرستد و این مأموریت دومین تلاش اداره تحقیقات فضایی آن کشور (ISRO) برای فرود آوردن یک ماه‌نورد به‌روی مهتاب است. رسانه‌های بین‌المللی روز سه‌شنبه، ۱۱ جولای، گزارش داده‌اند که فضاپیمای چاندرایان-۳ قرار است پس از ظهر روز جمعه به فضا پرتاب شود. این فضاپیما مجهز با یک فرودگر و یک کاوشگر روباتیک است که انتظار می‌رود به تاریخ ۲۳ یا ۲۴ اگست سال روان برای نقشه‌برداری از سطح ماه به‌روی مهتاب نشست کند. اس سومات، رئیس اداره تحقیقات فضایی هند گفته است که اگر این عملیات در زمان معین آن انجام نشود، باید برای ماه سپتامبر به تاخیر انداخته شود. به گفته وی، هدف اصلی نشان دادن «نشست مصوون و نرم» است. با این حال، هند امیدوار است که چهارمین کشوری باشد که کاوشگری را به سطح مهتاب فرود می‌آورد چون تلاش قبلی این کشور تقریباً چهار سال قبل با شکست مواجه شده بود.

### دعوت مودی به فرانسه؛ دیدبان حقوق بشر: مکرون نباید نسبت به بحران حقوق بشری در هند سکوت کند

دیدبان حقوق بشر می‌گوید که پس از ۲۰۱۴ و قدرت‌گیری حکومت مودی، سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه اقلیت‌های مذهبی بیش‌تر شده است. این نهاد همچنان با انتقاد از عمل‌کرد تبعیض‌آمیز حکومت مودی نسبت به اعتراض‌های مسالمت‌آمیز اقلیت‌ها گفته که این حکومت معترضان و خانواده‌های شان را با تخریب سرپناه‌ها و اموال شان، نوعی مجازات دسته‌جمعی کرده است. این در حالی است که در سال‌های اخیر، نهادهای مدافع حقوق بشری بارها نگرانی‌های شان را از وخامت وضعیت حقوق بشر در هند، مطرح کرده‌اند. پیش از این نیز، دیده‌بان حقوق بشر گفته بود که سیاست‌ها و اقدامات دولت هند، جمعیت مسلمانان این کشور را هدف قرار می‌دهد. منتقدان حکومت حزب حاکم بهاراتیا جاناتا نیز معتقدند که این حزب، از سال ۲۰۱۴ به این‌سو تضادهای مذهبی در هند را تقویت کرده است. حکومت هند، اما این اتهامات را تکذیب کرده و گفته که سیاست‌هایش به نفع تمام جوامع است.

دعوت نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند به جشن ملی ۱۴ جون در فرانسه از سوی امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور آن کشور، با واکنش دیدبان حقوق بشر مواجه شده است. این نهاد روز سه‌شنبه، ۱۲ جولای، با نشر اعلامیه‌ای از نارندرا مودی، به عنوان رهبری که در تضعیف دموکراسی در هند نقش داشته، انتقاد کرده و گفته است که رئیس‌جمهور فرانسه، نباید نسبت به بحران حقوق بشری در هند سکوت کند. «هرچند هند یک بازیگر مهم ژئوپولیتیکی است، اما این و کاستی‌های مهم فرانسه در رسیده‌گی به تبعیض‌های نژادی، نباید مکرون را از ابراز نگرانی علنی نسبت به بحران فزاینده حقوق بشر در هند منصرف کند.» دیدبان حقوق بشر با اشاره به کمپاین ارباب مسلمانان توسط گروه‌های ملی‌گرای افراطی هندو در ایالت اوتاراکند در شمال هند، آن را مصداق تبعیض سیستماتیک نسبت به اقلیت‌های مذهبی اعم از مسلمانان و مسیحیان خوانده است.



### روز جهانی جمعیت؛ گوترش در مورد تبعیض جنسیتی هشدار داد

آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد، به مناسبت روز جهانی جمعیت می‌گوید که سرمایه‌گذاری روی زنان، سبب ارتقای کشورها و جوامع می‌شود. گوترش روز سه‌شنبه، ۱۱ جولای، در صفحه توئیترش هشدار داده که تبعیض مبتنی بر جنسیت به همه اقشار آسیب می‌رساند. وی افزوده است: «در روز جهانی جمعیت و هر روز بیابید در کنار زنان و دخترانی باشیم که برای حقوق خود مبارزه می‌کنند.» دبیرکل سازمان ملل متحد در حالی بر نقش زنان در رشد و توسعه کشورهای سخن می‌زند که زنان افغان زیر سلطه طالبان، از دو سال به این‌سو از حقوق اساسی‌شان از جمله آموزش، تحصیل و کار محروم شده‌اند. پیش از این برخی از نهادهای حقوق بشری و زنان در افغانستان، بیانیه‌های نهادهای بین‌المللی در مورد زنان را کافی ندانسته‌اند. امروز سه‌شنبه، ۱۱ جولای مصادف به روز جهانی جمعیت است. هرچند آمار تازه از جمعیت انسان‌ها در جهان اعلام نشده است؛ اما براساس اطلاعات نشرشده در سال ۲۰۲۲ میلادی، جمعیت جهان از مرز هشت میلیارد تن گذشته است. برخی از نهادهای بین‌المللی نیز جمعیت افغانستان را حدود ۴۰ میلیون تن اعلام کرده‌اند.

### سازمان ملل در واکنش به آتش زدن نسخه قرآن هر نوع نفرت‌پراکنی در جهان را محکوم کرد

تورک اضافه کرد: «با قدرت رسانه‌های اجتماعی و در شرایط افزایش اختلافات بین‌المللی و ملی و دو قطبی سازی، سخنان نفرت‌انگیز از هر نوع و در همه جا روبه افزایش است. این وضعیت برای افراد مضر است و به انسجام اجتماعی لازم برای عملکرد صحیح همه جوامع لطمه می‌زند.» نشست اخیر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد به درخواست پاکستان برگزار شد. اسلام‌آباد و برخی دیگر از کشورها خواستار بحث در مورد «افزایش هشدار دهنده اعمال از پیش برنامه‌ریزی شده

فولکر تورک، کمیشنر عالی حقوق بشر سازمان ملل در نشستی که برای بررسی آتش‌زدن نسخه‌ای از قرآن در سوئدن از سوی این سازمان برگزار شده بود، از «نفرت‌پراکنی در همه جای دنیا» انتقاد کرد. او روز سه‌شنبه، ۱۱ جولای، در این نشست گفته است که «به نظر می‌رسد این اتفاقات برای برانگیختن خشم و ایجاد تفرقه در جوامع ایجاد شده است.» وی تأکید کرد که باید با سخنان نفرت‌انگیز از طریق گفت‌وگو، آموزش، افزایش آگاهی و تعامل بین ادیان مبارزه شود.

### امریکا: ایران کلاهک هسته‌ای تولید نمی‌کند

است که آن را به تولید مواد انفجاری مورد نیاز برای ساخت سلاح هسته‌ای، در صورتی که چنین تصمیمی گرفته شود، نزدیک می‌کند.» براساس این گزارش، ایران در رابطه با غنی‌سازی اورانیوم برجام را نقض کرده است. یافته‌های گزارش اطلاعاتی امریکا با گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم‌خوانی دارد. این گزارش همچنان برنامه موشکی ایران را تهدیدی عمده برای کشورهای خاورمیانه دانسته است. گفتنی است که دولت جو بایدن، از زمانی که روی کار آمده

گزارش سازمان اطلاعاتی امریکا که در هفته جاری منتشر شد، نشان می‌دهد که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست، اما در حال تقویت توانایی‌هایی است که انجام این کار را برای تهران آسان‌تر می‌کند. فاکس نیوز سه‌شنبه‌شب، ۱۱ جولای، به نقل از دفتر مدیر اطلاعات ملی امریکا (ODNI) گزارش داده است که ایران از سال ۲۰۲۰ در جهت افزایش ظرفیت خود برای تولید بمب هسته‌ای حرکت کرده، اما دست به این اقدام نکرده است. سازمان اطلاعاتی امریکا در گزارش دوحصه‌ای این سازمان تأکید کرده که ایران در حال «تحقیق و توسعه فعالیت‌هایی



است از تمایل خود برای بازگشت به توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ با ایران که به عنوان برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام شناخته می‌شود، دفاع کرده است. این تلاش در ماه‌های اخیر با تعلیق شدن رابرت مالی، مذاکره‌کننده ارشد و نماینده وزارت امور خارجه امریکا در امور ایران، پیچیده‌تر شده است.